

جشنواره فرهنگی و هنری ۳۱۳

ویژه میان پرده های نمایشی کوتاه و سرود

دستواره

راوی : امروز از دو شهید بزرگوار نمایش کوتاهی اجرا خواهیم کرد اول از عباس شروع می کنم بعدا از شهیدان دستواره خواهیم گفت:

در شب عملیات کربلای ۸ در حال باز کردن معبر بودم که ناگهان متوجه عباس شدم
عباس رحمانیان

جواد: عباس مگه نمی بینی دارم معبر باز می کنم کمی برو عقب تر

عباس : باشه ولی مراقب باش شاید عراقیها اینجا کمین زده باشند

جواد: مراقبم تو کمی برو عقب تر می ترسم روی مین بری پسر هان

عباس: نترس اگر هم بروم طوری نیست فدای سر سید الشهداء

جواد: همین که گفت فدای سر سید الشهداء کالیبر دشمن شروع کرد به تیر اندازی

آنها از نوع تیغ تراش و عباس دراز کش افتاد کاملا روی زمین

جواد: عباس چی شد پسر حالت خوبه ... فکر کردم زنده است وقتی صورت

مهربانش را دیدم که عجب نورانی شده بود خیلی تعجب کردم چون داشت در حالیکه چشمانش بسته بود ذکر می گفت آهسته یا حسین یا حسین می گفت

گفتم: عباس جان عباس ... دیدم از روی زخم بازویش بخار بلند می شد از محل خونریزی بازویش بود . عباس لحظه بعد به شهادت رسید به همان آرزویی که داشت رسید فدایی امام حسین (ع) شد پیکر عباس پس از یک هفته که داخل میدان مین مانده بود برای دفن به بهشت زهرا آوردیم.

پرده دوم

جواد : توی بهشت زهرا (س) حادثه عجیبی دیدمفرمانده لشکرمان دستواره ... داشت با یکی از اقوامش بحث می کرد

اقوام دستواره: حاجی امروز روز سوم شهادت برادرت است خوب نیست برگردی جبهه ... لااقل تا شب هفت برادرت می ماندی بعدا بر می گشتی مومن

دستواره: نه باید برگردم حاج عباس کریمی به شهادت رسیده و همه کارای لشکر را باید من رسیدگی کنم ... مثل اینکه جنگه ها برادر!

اقوام دستواره: حسین برادرت شهیده شده مردم میان برای تسلیت خوب نیست تو نباشی

دستواره : روح حسین راضیه من اونو خوب می شناسم وانگهی پدر و شما ها هستید کافیه

اقوام دستواره: خب من گفتم خودت می دانی صلاح با تو ... نمی تونم خیلی اصرار کنم

دستواره: گفتم کنار قبر حسین قبری را خالی نگه دارند . من هم زیاد نخواهم ماند

اقوام: نه دیگه از بی وفایی حرف نزن ... تو ۱۱ بار مجروح شدی بار دیگر هم

مجروح می شوی تازه می شود ۱۲ به عدد ۱۲ معصوم... (با خنده)

دستواره: اتفاقا ۱۲ معصوم یار شده و شهادت مرا امضا خواهند کرد

صحنه نبرد رزمندگان به نمایش گذاشته شده و راوی می گوید

راوی: دستواره رفت و بار دوازدهم علاوه بر اینکه مجروح شد به شهادت هم رسید و

قبر خالی کنار حسین برادرش نیز سهم او شد... از ویژگی های این فرمانده رشید

اسلام قدرت تصمیم گیری بموقع و سریع ایشان و تجزیه و تحلیل حساب شده مسایل

جنگ از نبوغ و خلاقیت او دلالت می کرد

امروز شهادت شهید فهمیده است که هم زمان مراسم عزاداری برگزار کرده اند

آهنگران می خواند جاده اسب مهیاست بیا تا برویم

کربلا منتظر ماست بیا تا برویم -

صحنه نبرد رزمندگان به نمایش گذاشته شود که در حال آتش و حرکت هستند